

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه کتاب

حماسه حسینی



خلاصه کتاب حماسه حسینی

خلاصه آثار شهید مرتضی مطهری

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

طرح جلد: محمد فدایی

شمارگان: ۵۰۰۰

چاپ دهم، ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۷۴۶-۰۲-۴

ISBN: 964-7746-02-4

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ص.پ، ۱۵۹-۱۴۶۵۵ تلفن: ۸۸۲۷۰۱۴۲

سرشناسه	: مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸ - ۱۲۹۸
عنوان و نام پدیدآور	: خلاصه کتاب حماسه حسینی / تهیه‌کننده مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (علیه السلام) (فعالیت‌های دانشجویی)
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۱.
مشخصات ظاهری	: بیست و پنجم، ص ۱۳۶
فروست	: (انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) ۱۴) (خلاصه آثار شهید مطهری)
شابک	: 964-7746-02-4 ۲۵۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فهرست‌نویسی قبلی
یادداشت	: این اثر یکی از درسامه‌های اصول عقاید دانشگاه امام صادق علیه السلام است
یادداشت	: این کتاب قسمتی از کتاب سیری در سیره معصومین علیه السلام می‌باشد
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۵ - ۱۳۶: همچنین به صورت زیرنویس
شناسه افزوده	: مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸ - ۱۲۹۹. حماسه حسینی
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ ۹۵۳۴

فهرست مطالب

ö
èé رهنمودهایی از امام خمینی (ره)
èì رهنمودهایی از رهبر معظم انقلاب
èï بایدها و نبایدهای سوگواری
éí بخش اول: حماسه حسینی
éì دو چهره حادثه کربلا
éï نهضت حسینی، حماسه‌ای مقدس
êé نهضت حسینی: عامل شخصیت یافتن جامعه اسلامی
êì بخش دوم: ماهیت قیام حسینی
êç بخش سوم: تحلیل واقعه عاشورا
ëè بخش چهارم: عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی <small>عاشورا</small>
ëê عوامل مؤثر در نهضت حسینی و ارزش آن‌ها
ìç شرایط امر به معروف و نهی از منکر
ìà مراحل و اقسام امر به معروف و نهی از منکر
ìá ارزش امر به معروف و نهی از منکر
íç کارنامه ما در امر به معروف و نهی از منکر

بخش پنجم: شعارهای عاشورا..... íê

بخش ششم: عنصر تبلیغ در نهضت حسینی..... íâ

مفهوم تبلیغ..... íâ

شروط و عوامل موفقیت یک پیام..... íã

الف) ماهیت و محتوای پیام..... íä

ب) وسایل و ابزار پیام‌رسانی..... íå

ج) روش تبلیغ..... íæ

د) شرایط مبلّغ..... íç

روش‌های تبلیغی نهضت حسینی..... íè

حادثه کربلا، تجسم عملی اسلام..... íé

تحلیل روحیه اصحاب حسین علیهم‌السلام و اعوان دشمن..... íê

نقش اهل بیت سیدالشهدا علیهم‌السلام در تبلیغ نهضت حسینی..... íë

بخش هفتم: تحریفات در واقعه تاریخی کربلا..... íð

اشاره..... íð

معنی تحریف و انواع آن..... íé

عوامل تحریف..... éè

تحریفات معنوی حادثه کربلا..... éé

وظیفه ما در برابر این تحریفات..... éê

بخش هشتم: نمونه‌ای از تحریفات..... éë

تحریف در شخصیت پیشوایان دینی..... éë

پهلوانی حضرت علی علیه‌السلام..... éè

اغراق‌ها و افسانه‌ها در مورد علی علیه‌السلام..... èçç

شجاعت حضرت ابوالفضل در جنگ صفین..... èçè

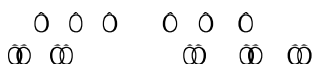
امام زین‌العابدین بیمار..... èçè

نمونه‌هایی از تحریف در حادثه عاشورا..... èçé

تحریف‌های لفظی..... èçê

آب آوردن ابوالفضل <small>علیه السلام</small> در کودکی برای امام حسین <small>علیه السلام</small>	èçè
خروج از مدینه با جلال و کوكبه پادشاهی	èçì
قصه لیلا مادر حضرت علی اکبر	èçí
عروسی قاسم	èçî
مسرور شدن زینب از وفای اصحاب	èçð
روضه وداع	èçđ
آمدن زینب(س) به قتلگاه	èèç
ذکر یاران غیر واقعی برای امام حسین <small>علیه السلام</small>	èèç
تحریف در شخصیت های شقی	èèè
عدد کشتگان دشمن	èèè
هفتاد و دو ساعت بودن روز عاشورا	èèè
بی هوش بودن امام سجاد <small>علیه السلام</small> در طول حادثه کربلا	èèè
بی بی شهربانو	èèè
اربعین	èèè
تسلی دادن ابو حمزه ثمالی به امام سجاد <small>علیه السلام</small>	èèì
امام صادق <small>علیه السلام</small> در کفشکن	èèì
غبار زوار امام حسین <small>علیه السلام</small> ، برات آزادی از جهنم	èèì
تحریفات دیگر	èèì
تحریفات معنوی	èèì
امام حسین <small>علیه السلام</small> کشته شد تا گناهان امت بخشیده شود	èèì
امام حسین <small>علیه السلام</small> به خاطر یک دستور خصوصی کشته شد	èèè
عزاداری به خاطر تسلی حضرت زهرا(س)	èèé
اظهار تأسف به خاطر مظلومانه کشته شدن امام <small>علیه السلام</small>	èèé
کتاب های مشتمل بر تحریفات و مطالب دروغین	èèé
کتاب «روضه الشهداء»، اثر ملاحسین کاشفی	èèé
کتاب «اسرار الشهادة»، اثر ملا آقا دربندی	èèí
کتاب «مُحرق القلوب»، اثر آخوند ملامهدی نراقی	èèí
کتاب «حسین وارث آدم» (روضه مارکسیستی!)	èèì

- چند نمونه از عملکرد برخی مداحان و اهل منبر ۰۰۰
- روضه‌های زهرماری! ۰۰۴
- جعل روضهٔ دروغین در مجلس روضه‌خوانی ۰۰۵
- گریاندن مردم با هر وسیلهٔ ممکن ۰۰۶
- بارگاه یا بارگاه! ۰۰۷
- روضهٔ دروغین یا کندن گوشت بدن امام حسین علیه السلام ۰۰۸
- کتابنامه ۰۰۹



e. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «در معنای فراز اخیر این فرمایش گفته‌اند که یعنی آغاز اسلام نبوی است و بقای آن حسینی. امام حسین علیه السلام که مظهر تفکر شیعی است، آموزگار اسلام ناب است؛ اسلام ظلم‌ستیز؛ اسلام $\hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a}$ « $\hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a}$ اسلام» $\hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a}$ »

۲. امامان معصوم: به شیوه‌های مختلف (اقامه عزا، استفاده از تربت، تقدیر از هنرمندان شاعر که مدح سیدالشهدا می‌کردند، حضور در حرم یا زیارت در مناسبت‌های گوناگون مانند شب قدر، عید فطر و قربان، مبعث، نیمه شعبان و ...) بر بزرگداشت و تعظیم نام و یاد امام حسین علیه السلام تأکید کردند و خواستند از این طریق آموزه‌های خاصی را در ذهن و ضمیر عاشوراییان بنشانند. آموزه « $\hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a}$ »
« $\hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a}$ » و حتی « $\hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a} \hat{a}$ »

۱. حسین از من و من از اویم. (بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۷۴)
۲. ذلت و خواری از ما دور است. (تحف العقول، ص ۲۴۵)
۳. من مرگ (شرافتمندانه) را جز سعادت و زندگی (ذلیلانه) با ستمکاران را جز مایه خواری و ملامت نمی‌بینم. (تحف العقول، ص ۲۴۹)
۴. هر که با شما در صلح است، من با او در صلح و هر که با شما در جنگ است، من با او در جنگم. (زیارت عاشورا)
۵. خداوند لعنت کند مردمی را که شما را از مقام و منزلت شایسته شما دور کردند. (زیارت عاشورا)
۶. خداوند لعنت کند مردمی را که حادثه کربلا را شنیدند و بر آن راضی بودند. (زیارت وارث)

۳. عوامل گوناگونی دست به دست هم دادند و با تحریف حادثه کربلا سبب شدند از تأثیر عمیق و همه‌جانبه این واقعه بزرگ کاسته شود. برخی از این عوامل عمومی است که در انواع تحریف‌ها دیده می‌شود، از جمله دشمنی و غرض‌ورزی عده‌ای و محبت و تمایل به اسطوره‌سازی و بیان افسانه‌ها و امور خارق‌العاده از سوی عده دیگر. اما تحریفات عاشورا عامل خاصی نیز داشته و آن روایاتی است که ثواب زیادی برای گریه بر حضرت سیدالشهدا ذکر کرده‌اند. همان‌طور که استاد شهید مرتضی مطهری اشاره می‌کند عده‌ای گمان کردند که اولاً خود اشک گرفتن بدون درک مقام امام حسین علیه السلام و علت قیام آن حضرت موضوعیت دارد و ثانیاً از هر راهی هرچند نامشروع می‌توان از مردم اشک گرفت.^۱

۴. افراط و تفریط در مواجهه عقلی با عزاداری عین جهالت است، زیرا به فرموده علی علیه السلام «گروهی از جاهلان، با بیان این‌که امر عزاداری از مقوله عشق و فوق عقل است، انجام هر کاری را تجویز می‌کنند، هرچند مخالف با تعالیم صریح اسلامی باشد. روشن است که عزاداری این چنین هرگز مورد رضایت سیدالشهدا علیه السلام نیست و به هیچ وجه اهداف مورد نظر اسلام از اقامه عزا را محقق نمی‌کند.

گروهی دیگر مدعی روشنفکری هستند، اما در جهالت مانند گروه اول و بلکه بدتر از آنانند. این عده که نه فلسفه قیام و شهادت ابی‌عبدالله علیه السلام را می‌فهمند و نه فلسفه عزاداری و ابعاد سیاسی و اجتماعی آن را و نه می‌توانند هضم کنند که یک قطره اشک می‌تواند چقدر ثواب داشته باشد، با جلوه‌های خاص عزاداری در فرهنگ شیعه مانند روضه‌خوانی و سینه‌زنی مخالفت می‌کنند و به این ترتیب خود را از ابعاد حماسی و شورآفرینی نهضت عاشورا محروم می‌نمایند.

۱. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۸۴

۲. انسان جاهل را نمی‌بینی مگر این‌که در کارش یا زیاده‌روی می‌کند یا کوتاهی (نهج البلاغه، حکمت ۷۰)

۵. کتاب حاضر تلاش کرده سخنان شهید مطهری را در باب حماسهٔ حسینی و فرهنگ عزاداری به صورت منظم تدوین و آرایه کند. علی‌رغم جایگاه بسیار والای استاد مطهری در اسلام‌شناسی و تأییدات و تأکیدات حضرت امام و مقام معظم رهبری بر افکار و آثار ایشان، می‌دانیم که سخنان استاد مطهری در این زمینه ممکن است بر عده‌ای گران و ثقیل باشد و تذکر استاد مطهری در اجتناب از افراط را به معنای تفریط در این امر بدانند. و البته می‌پذیریم که چه بسا توجه یک بعدی به نگاه انتقادی شهید مطهری به برخی ابعاد فرهنگ عزاداری ممکن است به دور شدن عده‌ای از متن هیأت‌ها و جلسات سوگواری منجر شود.

۶. نه استاد مطهری و نه ما راضی نبوده و نیستیم که تلاش مادر این راستا، خدای ناکرده به معنای مخالفت با اصل عزاداری فهمیده شود که با کمال تأسف گاهی چنین اموری به آن استاد شهید نسبت داده می‌شود؛ در حالی که ایشان صریحاً می‌گوید:

«نگذارید حادثه عاشورا فراموش شود. حیات شما، زندگی و انسانیت و شرف شما به این حادثه بستگی دارد. به این وسیله می‌توانید اسلام را زنده نگه دارید. عزاداری حسین بن علی علیه السلام واقعاً فلسفه صحیحی دارد. فلسفه بسیار بسیار عالی هم دارد. هرچه ما در این راه کوشش کنیم، به شرط این که هدف این کار را تشخیص دهیم، بجاست.»^۱

فراموش نکنیم خود استاد مطهری در پایان سخنرانی‌های خود روضه می‌خواند و اشک می‌ریخت. سیرهٔ حضرت امام و مقام معظم رهبری و دیگر مراجع و بزرگان تشیع نیز همین بوده است.

۷. برای اجتناب از افراط و تفریط در این زمینه، اکیداً توصیه می‌شود کتاب حاضر با محوریت خود جلسات عزاداری و توسط خود خطباء، اهل منبر و مداحان، تبلیغ و توزیع شود. زیرا معتقدیم از یک سو مطالعهٔ این

۱. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۴۸.

کتاب بدون حضور در فضای عاشقانه هیأت‌ها و جلسات سوگواری و بدون انس با شور و حماسه موجود در عزاداری‌های سنتی، ممکن است از عشق و علاقه خواننده به شرکت در این مراسم‌ها بکاهد.

از سوی دیگر بی‌توجهی به آفات و لغزشگاه‌های جلسات عزاداری - که این کتاب مهم‌ترین بخش، یعنی تحریفات آن را مورد بررسی قرار می‌دهد - و عدم عنایت به این که عزاداری جاهلانه، مقبول و مورد رضایت اسلام نیست، سبب می‌شود که عده‌ای به بهانه عشق، باب عقل را ببندند و از تعالیم اسلام و توصیه‌های اولیای دین غفلت نمایند و رفتار و نحوه عزاداری آن‌ها از سیره عملی بزرگان دین فاصله بگیرد.

۸. از آن‌جا که این کتاب به دست تعداد زیادی از هموطنان عزیزمان خواهد رسید، شایسته دیدیم گزیده بسیار کوتاهی از سخنان و رهنمودهای حضرت امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری درباره موضوع عزاداری را به اطلاع خوانندگان محترم برسانیم. این مطالب همان‌طور که ملاحظه خواهید کرد حول دو محور اصلی است: اول اهمیت برگزاری اصل عزاداری به همان شیوه‌های سنتی، و دوم ضرورت اجتناب از تحریفات و رفتارهای ناشایست و مخالف با اهداف حقیقی جلسات سوگواری.

رهنمودهایی از امام خمینی (ره)

□ شاید غریبه‌ها به ما می‌گویند ملت گریه، و شاید خودی‌ها نمی‌توانند تحمل کنند که یک قطره اشک مقابل چقدر ثواب است، یک مجلس عزا چقدر ثواب دارد، نتوانند هضم کنند و نتوانند هضم کنند آن چیزهایی که برای ادعیه ذکر شده است و آن ثواب‌هایی که برای دو سطر دعا ذکر شده است. نمی‌توانند این را ادراک کنند و هضم کنند... مجلس عزا نه برای این است که گریه بکنند برای سیدالشهدا و اجر ببرند، البته این هم هست، بلکه مهم، آن جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند

که تا آخر باشد... هیچ چیز نمی تواند از جنبه سیاسی به مقداری که عزای حضرت سیدالشهدا تأثیر دارد، تأثیر بکند. شما گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه زنی و نوحه سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می آمد. هیچ قدرتی نمی توانست ۱۵ خرداد را آن طور کند، مگر قدرت خون سیدالشهدا، و هیچ قدرتی نمی تواند این ملتی که از همه جوانب به او هجوم شده است و از همه قدرت های بزرگ برای او توطئه چیده اند، این توطئه ها را خنثی کند، الا همین مجالس عزا... چنانچه واقعاً بفهمند و بفهمانند که مسأله چه هست و این عزاداری برای چه هست و این گریه برای چه این قدر ارج پیدا کرده و پیش خدا اجر دارد، آن وقت ما را ملت گریه نمی گویند، ما را ملت حماسه می خوانند... ملت ما قدر این مجالس را بدانند، مجالسی است که زنده نگه می دارد ملت ها را... اگر بُعد سیاسی این مجالس را بفهمند، همان غریبه ها هم مجلس بپا می کنند و عزاداری می کنند، البته اگر ملت و کشور خودشان را بخواهند. من امیدوارم که هرچه بیشتر و هرچه بهتر این مجالس برپا باشد.^۱

□ مجالس سوگواری ائمه اطهار: را باید حفظ کنید، این ها شعائر مذهبی ما است که باید حفظ بشود. این ها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازیتان ندهند این قلمفرساها، بازیتان ندهند این اشخاصی که با اسم های مختلف و با مرام های انحرافی می خواهند همه چیز را از دستتان بگیرند!^۲

□ ما باید حافظ این سنت های اسلامی، حافظ این دستجات مبارک اسلامی که در عاشورا، در محرم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می افتند [باشیم و] تأکید کنیم که بیشتر دنبالش باشند. فداکاری سیدالشهدا سلام الله علیه است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است. زنده نگه داشتن عاشورا

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۰۷-۲۱۰

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۳۲

با همان وضع سستی خودش از طرف روحانیون، از طرف خطبا با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم با همان ترتیب سابق که دستجات معظم و منظم، دستجات عزاداری به عنوان عزاداری راه می‌افتاد. باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید.^۱

□ تکلیف آقایان است روضه بخوانند. تکلیف مردم است دسته‌های شکوهمند بیرون بیاورند. دسته‌های سینه‌زن شکوهمند. البته از چیزهایی که برخلاف مثلاً چه هست از آن‌ها پرهیز کنند، اما دسته‌ها بیرون بیایند، سینه بزنند، هرکاری که می‌کردند بکنند. اجتماعاتشان را حفظ کنند. این اجتماعات است که ما را نگهداشته، این هماهنگی‌ها هست که ما را نگهداشته.^۲

□ باید سخنی را در خصوص عزاداری و مجالسی که به نام حسین بن علی به پا می‌شود بگوییم. ما و هیچ یک از دینداران نمی‌گوییم که با این اسم، هرکس هر کاری می‌کند خوب است. چه بسا علمای بزرگ و دانشمندان، بسیاری از این کارها را ناروا دانسته و به نوبت خود از آن جلوگیری کردند. چنانچه همه می‌دانیم که در بیست و چند سال پیش از این، عالم عامل بزرگوار، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم [حایری یزدی] که از بزرگترین روحانیون شیعه بود در قم شبیه‌خوانی را منع کرد و یکی از مجالس بسیار بزرگ را مبدل به روضه‌خوانی کرد و روحانیون و دانشمندان دیگر هم چیزهایی که برخلاف دستور دین بوده، منع کرده و می‌کنند.^۳

□ باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید. البته اگر چنانچه یک چیزهای ناروایی بوده است سابق، و

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۱۸

۳. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۵

دست اشخاص بی اطلاع از مسائل اسلام بوده، آن‌ها باید یک قدری تصفیه بشود.^۱

□ جهات غیر شرعی دستجات باید حساب [و اصلاح] شود. باید جهات شرعی محفوظ بماند.^۲

رهنمودهایی از رهبر معظم انقلاب

عزاداری و تبلیغات استعماری: این جانب می‌بینم که چگونه اخلاص و محبت مردم به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام مورد جفا در قضاوت‌های جهانی واقع می‌شود، چگونه درک روشن‌بینانه آنان در اعتقاد به مقام والای اهل بیت به خاطر بعضی اعمال جاهلانه حمل بر اموری می‌شود که از ساحت شیعه و ائمه بزرگوارشان بسی دور است، می‌بینم که چگونه عزاداری بر جگرگوشگان زهرای اطهر (س) مورد تبلیغ سوء دشمنان متعصب و تبلیغات چی‌های شیطان استعمار قرار می‌گیرد. می‌بینم که بعضی اعمالی که هیچ ریشه دینی هم ندارد، بهانه به دست دشمن مغرض می‌دهد که بدان وسیله هم‌اسلام و تشیع را، العیاذ بالله به عنوان آیین خرافه معرفی کنند، وهم بغض و عداوت خود را نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغات خود آشکار سازند. شیعه محب و مخلصی که در روز عاشورا با قمه سر و روی خود و حتی کودکان خردسال خود را خونین می‌کند، آیا راضی است که با این عمل خود در روزگاری که هزاران چشم غیب‌جو و هزاران زبان بدگو در پی بد معرفی کردن اسلام و تشیع است، عمل او را مستمسک دشمنی خود قرار بدهد؟ آیا راضی است که با تظاهر به این عمل، خون‌ده‌ها هزار جوان بسیجی صفت عاشق را که برای آبرو دادن به اسلام و تشیع و نظام جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شده است ضایع سازد؟

۱. کشف الاسرار، ص ۱۷۳

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴

آنچه از قول مراجع سلف، رحمة الله عليهم، نقل شده است، بیش از این نیست که اگر این کار ضرر معتنی به ندارد، جایز است. آیا سبک کردن شیعه در افکار جهانیان ضرر معتنی به نیست؟ آیا مخدوش کردن محبت شیعیان به خاندان مظلوم پیامبر ﷺ و به خصوص شیفتگی بی حد و حصر آنان به سالار شهیدان ﷺ را بد جلوه دادن ضرر نیست؟ کدام ضرر از این بالاتر است.

اگر قمه زدن به صورت عملی انفرادی در خانه‌های دربسته انجام می‌گرفت، ضرری که ملاک حرمت است فقط ضرر جسمی بود، وقتی این کار علی رؤوس الاشهاد و در مقابل دوربین‌ها و چشم‌های دشمنان و بیگانگان بلکه در مقابل چشم جوانان خودمان انجام می‌گیرد، آن وقت دیگر ضرری که باید معیار حرمت باشد، فقط ضرر جسمی و فردی نیست، بلکه مضرات بزرگ تبلیغی که با آبروی اسلام و شیعه سروکار دارند نیز باید مورد توجه باشد.

امروز این ضرر بسیار بزرگ و شکننده است. و لذا قمه زدن علنی و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است.

البته کسانی که در سال‌های گذشته از روی عشق و اخلاص قمه زده‌اند، مأجورند و به خاطر نیتشان مستوجب ثواب الهی‌اند. ان شاء الله. ولی اکنون باید به نحو متعارف که در طول قرون و اعصار عزاداری می‌کرده‌اند و متدینین و علما هم خود در آن شرکت می‌جسته‌اند عزاداری کنند. یعنی تشکیل مجالس روضه‌خوانی و راه‌اندازی دستجات و مواكب عزاداری که دارای حال و حزن و شور و محنت اهل بیت علیهم الصلوة والسلام، است. سعی کنند که نوحه‌ها و شعرها و روضه‌خوانی‌ها پرمغز و دارای مضامین صحیح و متکی بر آثار وارده معتبره از ائمه: یا علمای بزرگ باشد.

برکات عزاداری: این نعمت با این عظمت، دل‌ها را به منبع جوشش ایمان اسلامی متصل می‌کند. این نعمت کاری کرده است که در طول تاریخ، ستمگران حاکم، از عاشورا و از قبر امام حسین ﷺ ترسیده‌اند. این ترس از زمان خلفای بنی‌امیه شروع شده و تا امروز هم ادامه دارد. و شما یک نمونه

آن را در انقلاب خود ما دیدید. وقتی که محرم شد نظام مرتجع کافر فاسق فاسد پهلوی دید که دیگر دستش بسته است و نمی‌تواند کاری انجام دهد. فهمیدند محرم شده است. در گزارش‌های بازمانده از آن رژیم منحوس، اشارت‌ها، بلکه صراحت‌هایی وجود داشت که نشان می‌داد آن‌ها با آمدن محرم دست و پایشان را حسابی گم کردند و امام بزرگوار ما رحمة الله علیه، آن مرد حکیم تیزبین دنیاشناس انسان‌شناس، خوب فهمید که از این حادثه برای پیشبرد هدف امام حسین علیه السلام چگونه استفاده کند و کرد. محرم را به عنوان ماهی که در آن خون بر شمشیر پیروز می‌شود اعلام و با همین تحلیل و منطق، و به برکت محرم، خون را بر شمشیر پیروز کرد. این یک نمونه است که شما دیدید.

کیفیت اقامه عزاء: به اعتقاد بنده سه چیز باید در این مجالس وجود داشته باشد:

اول این است که این مجالس باید محبت اهل بیت: را زیاد کند چون رابطه عاطفی، یک رابطه بسیار ذی‌قیمتی است. لذا شما باید کاری کنید که در این مجالس محبت شرکت کننده به حسین بن علی علیه السلام و خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و مناهج معرفت الهی روز به روز بیشتر شود. اگر شما در این مجالس، خدای ناکرده وضعی را به وجود آوردید که مستمع این مجلس یا کسی که بیرون این مجلس است از لحاظ عاطفی به اهل بیت: نزدیک نشد و خدای ناکرده دور شد و احساس بی‌زاری و دوری کرد، آن وقت مجلس عزاء نه تنها یکی از بزرگترین فواید خود را نداشته است، بلکه به یک تعبیر مضر هم بوده است.

دومین نکته این است که باید در این مجالس نسبت به اصل حادثه عاشورا یک معرفت روشن‌تر و واضح‌تری برای مردم به وجود بیاید. این جور نباشد که ما بیایم و در مجلس حسین بن علی علیه السلام یک سخنرانی بکنیم یا یک منبر برویم، به طوری که اگر در داخل این مجلس یک آدم اهل فکر و تأمل بود - که امروز در جامعه ما کسانی که اهل فکر و تأملند خیلی زیادند و

این از برکات انقلاب است - با خود فکر کند که ما برای چه این جا آمدیم و قضیه چه بود؟ چرا باید برای امام حسین علیه السلام گریه کرد؟ چرا امام حسین علیه السلام اصلاً آمد کربلا و عاشورا را به وجود آورد؟ باید طوری باشد که اگر برای کسی چنین سؤالی به وجود آمد، شما پاسخ آن را داده باشید.

سومین چیزی که در این مجالس لازم است این است که معرفت دینی و ایمان دینی مردم را افزایش بدهد. شما باید یک چیزی از دین را در این مجلس بگویید که موجب ایمان و معرفت بیشتر بشود. یک موعظه درست، یک حدیث صحیح، یک بخشی از تاریخ آموزنده درست، تفسیر آیه‌ای از قرآن، و بیان مطلبی از یک عالم و دانشمند بزرگ اسلامی، چیزهایی است که می‌تواند بیان شود. این جور نباشد که ما برویم بالای منبر یک مقدار لفاظی کنیم و حرف بزنیم یا احیاناً مطلبی هم اگر ذکر کنیم مطلب سستی باشد که نه تنها ایمان را زیاد نمی‌کند، بلکه ایمان‌ها را ضعیف می‌کند.^۱

بایدها و نبایدهای سوگواری^۲

در پایان شایسته است به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر توصیه‌هایی در باب جلسات عزاداری و برخی بایدها و نبایدهای آن ارائه نماییم و امیدواریم همه ما بتوانیم این توصیه‌ها را مورد استفاده قرار داده، بر غنا و ارزش عزاداری خود بیفزاییم:

۱. نظر به این که عزاداری حضرت سیدالشهدا وسیله‌ای است برای ابراز محبت و موالات با آن حضرت و خاندان عصمت و طهارت؛ و همچنین ابراز نفرت و انزجار از دشمنان ایشان، همواره باید تلاش نمود این تولی و تبری به‌عنوان روح اصلی مجالس عزاداری باقی بماند و تقویت گردد.

۱. روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۳/۲۸

۲. از جمله مراجعه کنید به مجله بصائر، شماره ۱۹.

۲. اگر چه همه ما به عنوان خادمی کوچک علاقه داریم در راه امام حسین علیه السلام به تعداد هر چه بیشتری از مردم خدمت کنیم، اما گرداننده‌های هیأت‌ها، سخنرانان و مداحان باید متذکر این نکته باشند که جلسات عزاداری هرچه شلوغ و پرازدحام‌تر باشد، الزاماً پربارتر و مفیدتر نخواهد بود، چه بسا امام زمان علیه السلام جلسه پرجمعیت هیأت ما را نادیده بگیرد و در کوچه و پس‌کوچه‌های شهر در جلسه پیرمرد مخلصی که با حضور چند نفر جلسه کوچک و بی‌ریایی تشکیل داده، شرکت نماید. فراموش نکنیم که با افزایش جمعیت جلسات خطرات زیادی ما را تهدید می‌کند، از جمله ریا و تظاهر (که بجای خدا و معصومین، برای خوشایند این و آن کار کنیم)؛ عجب و خود بزرگ‌بینی (که چقدر ما مهم هستیم!)؛ نفاخر و تکاثر (که جلسه ما شلوغ‌تر است!) و به تبع آن آفات، تلاش کاذب و نادرست برای ایجاد شور و واویلا در جلسه و همچنین تلاش برای تأمین هزینه‌های هیأت و استفاده از اموالی که احتیاط بیشتر می‌طلبد. لذا چه خوب است اصل عزاداری به عنوان روح جلسات مورد توجه ما باشد و کیفیت جلسات عزاداری رافدای کمیت آن نکنیم.

۳. نشانه مهمی وجود دارد که از طریق آن می‌توانیم بفهمیم آیا حقیقت عزاداری به عنوان روح اصلی جلسات در ما وجود دارد یا نه. آن نشانه این است که در دل خود نسبت به تمام عزاداران احترام و محبتی احساس کنیم، احترام و محبتی مؤثر. به عنوان مثال، به دیگر هیأت‌های عزاداری احترام می‌گذاریم و در همه مسائل آن‌ها را مقدم می‌داریم، نه این که در هر مسأله کوچکی با آن‌ها به مخالفت پردازیم.

همچنین تمام عزاداران نزد ما محترم خواهند بود. کفش‌های آن‌ها را جفت می‌کنیم و به خدمت خود افتخار خواهیم کرد نه این که اگر برفرض جوانی در جلسه عزاداری شرکت کرد که وضعیت لباس و چهره او موردپسند ما نبود با برخورد خود موجب طرد او شویم.

تکرار می‌کنیم که اصل عزاداری مهم است و البته بدیهی است که اگر افرادی به اصل عزاداری بی‌توجه باشند و بخواهند از جلسات و هیأت‌ها سوءاستفاده نمایند و اغراض سوء و شهوانی خود را دنبال کنند، باید با آنها برخورد نمود.

۴. چه خوب است که گویندگان و مستمعان، در جلسات عزاداری به چنان رشد و بلوغی رسیده باشند که مصادیق شمر و یزید و بنی‌امیه را در دوران کنونی تشخیص دهند و با جریان‌شناسی سیاسی و فرهنگی و با ترسیم دو جبهه حق و باطل بتوانند حقیقت اسلام ناب و ظلم‌ستیز را در روح خود تقویت کنند.

البته سخن فوق به معنای سوءاستفاده از تجمعات مردمی در جلسات عزاداری و بهره‌برداری برای اغراض جناحی نیست، بلکه مراد، تقویت روح دشمنی با دشمنان اسلام و تشیع، بویژه استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل است. به قول شهید مطهری شمر امروز نخست‌وزیر اسرائیل است و اگر امام حسین علیه السلام امروز زنده بود، شعار آن حضرت مسأله فلسطین بود.

۵. مسؤولان و مدیران هیئت‌های عزاداری از مداحان و نوحه‌خوان‌های خوش‌نام، متعهد و لایق استفاده کنند، و از بازارگرمی برخی فرصت‌طلبان در این عرصه جلوگیری نمایند.

۶. جهت و محتوای سخنرانی‌ها و روضه‌خوانی‌ها می‌بایست جلب محبت و رشد معرفت هرچه بیشتر مردم نسبت به سیدالشهدا، حسین بن علی علیه السلام و خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد. در غیر این صورت فلسفه وجودی مجالس عزاداری از بین خواهد رفت. همان‌طور که در رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب خواندیم برنامه‌ریزی مجالس عزا باید در جهت افزایش معرفت و محبت و ایمان دینی مخاطبان باشد. برای این هدف، شایسته است از شخصیت‌های آشنا به معارف اسلامی، بویژه علمای روحانی به عنوان سخنران استفاده شود و طوری برنامه‌ریزی نمود که مخاطبان از مطالب این

سخنرانی‌ها بهره‌مند شوند و از این که جلسات و هیأت‌ها به عزاداری ظاهری منحصر گردد، جداً پرهیز نمود.

۷. بر مداحان لازم است که در مراثی و اشعاری که در مجالس سوگواری بیان می‌کنند، نهایت مطالعه و دقت را به کار گیرند تا مبادا موجبات تحریف واقعیات تاریخ عاشورا را فراهم سازند. در این زمینه استفاده از مقتل‌ها و منابع تاریخی معتبر مانند «لُهوف» سید بن طاووس که مورد عنایت و توصیه مقام معظم رهبری نیز هست، بسیار مفید خواهد بود.

۸. هر ساله در ایام محرم و صفر، شیعیان ایران و جهان برای ابراز عشق و علاقه خود به امام حسین و اهل بیت عصمت و طهارت: میلیاردها تومان هزینه می‌کنند. در این زمینه تذکر یک نکته مفید است که اطعام مردم در ایام تاسوعا و عاشورا یا پذیرایی از سینه‌زنان با غذا و شربت، نباید تنها راه انجام نذورات تلقی شود. در کنار این نذورات، شایسته است به دیگر زمینه‌ها که بعضاً نیازمند مساعدت‌های مالی نیز هست، بویژه در مسائل فرهنگی عنایت شود. از جمله در فعالیت‌هایی مانند: تهیه قرآن و کتاب‌های مذهبی برای کتابخانه‌های نیازمند، برگزاری مسابقات کتابخوانی، ایجاد نوارخانه، کمک به گروه‌های فرهنگی در مساجد و ...

۹. پرهیز از خودزنی‌های افراطی، آزار و اضرار به نفس که اغلب موجب وهن مذهب تشیع در انظار عموم می‌شود، از جمله مواردی است که تقریباً تمامی علما و فقهای شیعه بدان تأکید داشته‌اند.

۱۰. بر همه سوگواران و عاشوراییان است که با تأسی به سیدالشهدا، حسین بن علی علیه السلام و یاران با وفایشان، در ایام سوگواری نماز را به جماعت و در اول وقت به جای آورند.

۱۱. حضور برخی از نیروهای متدین و لایق در اطراف دستجات عزاداری به منظور جلوگیری از نفوذ افراد لایبالی و فرصت‌طلب، که با اغراض سوء در این دستجات شرکت می‌کنند، نقش مفید و مؤثری خواهد داشت.

۱۲. پرهیز از ایجاد سر و صداهایی که اغلب با استفاده از طبل، سنج، اکو و بلندگوهای بسیار بزرگ، در نیمه‌های شب در کوچه‌ها و خیابان‌ها ایجاد می‌شود، از دیگر عوامل مهم و مؤثری است که در تکریم و تعظیم شعائر عاشورایی نقش بسیار مفیدی خواهد داشت.

۱۳. بهتر است عزاداری‌های با مرکزیت مساجد که همواره کانون واقعی تبلیغ و ترویج تعالیم اسلام بوده صورت گیرد. در این صورت بدیهی است که رعایت شأن و مقام مسجد و التزام به احکام آن ضرورت دارد، از جمله: حفظ نظافت، تحت‌الشعاع قرار نگرفتن عبادت و نماز، اجتناب از غذاخوردن، نواختن طبل و سنج و ...

در مرحله بعد و در برپا کردن حسینیه‌ها و تکایا، اگر این کار با این هدف انجام شود که در هر کوی و برزن هر چه بیشتر پرچم سیاه امام حسین علیه السلام و مجلس عزای آن حضرت برپا باشد و این امر با قصد تعظیم شعائر صورت گیرد، البته پسندیده‌است، اما اگر تعصبات و خودخواهی‌ها علت این کار باشد، باید با کنار گذاشتن این توهمات و به جای به راه انداختن دسته‌های متعدد چندنفره، هیأت‌ها و دستجات بزرگ و باشکوهی به راه انداخت. اما در هر صورت جلب رضایت کامل صاحبان اماکن حسینیه‌ها و اجتناب از تشکیل آن‌ها در معابر عمومی به نحوی که موجب نارضایتی مردم شود، ضروری است.

۱۴. نظر به این که برخی عوامل استکبار از هر فرصتی جهت ضربه‌زدن به وحدت مسلمانان بهره جسته و متأسفانه همه ساله در کشورهای نظیر پاکستان و هندوستان، حوادث تلخ و ناگواری در این خصوص به وجود آورده و زد و خوردهای خونینی نیز به راه می‌اندازند، بر همه عاشقان و محبان اهل بیت: و عزاداران سالار شهیدان، حضرت حسین بن علی علیه السلام است که از هر آنچه موجب هتک حرمت نسبت به برادران اهل سنت می‌شود، پرهیز نمایند تا الگویی باشند برای مسلمانان سایر ممالک اسلامی.

امیدواریم این کتاب آغاز خوبی باشد برای فعالیتی گسترده در زمینه
آسیب‌شناسی فرهنگ عزاداری و برآنیم با توفیق الهی و با نظارت و هدایت
علما و بزرگان دینی، گام‌هایی در این زمینه برداریم. ان‌شاءالله
از همه عزیزان صاحب‌نظر و علاقه‌مند به فعالیت در این زمینه دعوت
می‌شود با بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام که مشغول انجام مطالعات
و فعالیت‌ها در این زمینه است، ارتباط برقرار نمایند.

مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

بخش اول حماسه حسینی

دو چهره حادثه کربلا

موضوع این بحث، حماسه حسینی است. حماسه، یعنی شدت و صلابت و شجاعت. همان‌طور که یکی از انواع شعر و نثر از نظر محتوا، شعر و نثر حماسی است، شخصیت‌ها و نهضت نیز اقسامی دارند که یکی از آنها شخصیت و نهضت حماسی است. در این بحث می‌خواهیم اثبات کنیم که امام حسین علیه السلام و سرگذشت او باید یک احساس حماسی در ما ایجاد نماید، نه یک احساس مصیبت و نغله‌شدن.

شخصیت‌های حماسی که اغلب در اشعار حماسی از آنها یاد شده، جنبه قومی و نژادی دارند که یا مثل رستم، افسانه‌ای می‌باشند، یا مثل جلال‌الدین خوارزمشاه، حقیقی. از آن‌جا که قهرمان‌دوستی، جزء سرشت بشر است و ضمناً هر قومی از قهرمانان خود تجلیل می‌کند و قهرمان هر ملتی احساسات قوم‌خویش را تحریک می‌کند، به همین علت ممکن است قهرمان یک ملت، برای قوم مخالف منفور باشد. اما حسین علیه السلام چیز دیگری است. او یک شخصیت حماسی است، اما نه حماسه قومیت، بلکه حماسه بشریت. سخنش، عملش، حادثه‌اش و همه چیزش هیجان و تحریک است. القای نیروی اسلام است. در تاریخ بشریت، از نظر شدت حماسی بودن و از نظر علو حماسه انسانیت - نه قومیت - یک شخصیت حماسی مثل او نمی‌توان

پیدا کرد و به همین دلیل، او و حماسه‌اش هر دو بی‌نظیرند و متأسفانه ما مردم هیچ کدام را نشناخته‌ایم.

حماسه حسینی، همان حادثه عاشورا است که دو صفحه دارد: یکی سفید و نورانی و دیگری سیاه و ظلمانی، که هر دو صفحه‌اش یا بی‌نظیر است یا کم‌نظیر. صفحه سیاه این حادثه، مملو است از جنایت، کشتن عده‌ای بی‌گناه، حتی طفل شیرخوار، تاختن اسب بر بدن شهدا، آب ندادن به تشنگان، شلاق زدن زن و بچه، سوار کردن اسیر بر شتر بی‌جهاز و ... قهرمانان حادثه در این نگاه و در این صفحه، یزید و شمر و عمر سعد و عبید... بن‌زیاد می‌باشند. در این جا بشریت، سرافکنده است و برای آن شعری جز رثا و مصیبت، سزاوار نیست. اما این حادثه صفحه دیگری هم دارد که قهرمان آن حسین علیه السلام است. آنچه در این صفحه می‌گذرد، حماسه و افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت و انسانیت و حق‌پرستی است. آن‌جاست که بشریت حق دارد به خود ببالد.^۱ آن فرشتگانی که فقط صفحه سیاه بشریت را می‌دیدند، نسبت به مقام خلیفه‌اللهی آدم بر روی زمین به خداوند سبحان اعتراض کردند. اما خداوند، این صفحه را هم می‌دید. اما باید از خود پرسید که چرا باید حادثه کربلا را همیشه از نظر صفحه سیاهش مطالعه کنیم، در حالی که جنبه حماسی آن صد برابر بر جنبه جنایی‌اش برتری دارد. پس باید اعتراف کنیم که ما هم یکی از جنایت‌کنندگان بر امام حسین علیه السلام هستیم که از این تاریخچه فقط یک صفحه‌اش را می‌خوانیم؛ در حالی که پیش از این مردم و

۱. صحنه کربلا را می‌توان تشبیه به یک نمایشگاه کرد. ولی نه نمایشگاه علم و صنعت، بلکه نمایشگاه معنویت و معرفت. در این نمایشگاه انسان می‌تواند به عظمت قدرت اخلاقی و روحی بشر پی‌برد و بفهمد تا چه اندازه بشر فداکار و حق‌خواه و حق‌پرست می‌شود؛ معنای صبر، رضا، شجاعت، مروت، کرم و بزرگواری تا چه اندازه قوت‌ظهور و بروز دارد؟

کربلا پیش از آن‌که نمایشگاه شقاوت و بدی و ظهور پلیدی بشر باشد، نمایشگاه روحانیت، معنویت، انسانیت و اخلاق عالی است. (حماسه حسینی، ج ۲، ص ۴۶)

مرثیه‌خوان‌ها چنین نبودند.^۱ دعبل خزاعی طوری مرثیه می‌گفت که تخت خلفای اموی و عباسی را متزلزل می‌کرد.

معلوم نیست، کدام جانی یا جانی‌هایی این جنایت را بر امام حسین علیه السلام وارد کردند که هدف ایشان را تحریف کرده، همان اکاذیبی را که مسیحیان در مورد عیسی علیه السلام بیان می‌کنند، را درباره حضرت سیدالشهدا علیه السلام گفتند، لذا بعد از این انحراف، برای مردم چاره‌ای نبود جز این که از دو صفحه سیاه حادثه کربلا فقط صفحه سیاه آن را ببینند؛ البته منظور این نیست که صفحه سیاه را نباید دید، بلکه باید آن را دید؛ اما این مصیبت را باید مخلوط با حماسه دید و خواند. این مصیبت و رثا باید زنده بماند، اما به صورت رثای یک قهرمان نه رثای یک آدم نقله شده بیچاره. مردم باید در رثای یک قهرمان بگریند تا احساسات قهرمانی پیدا کنند، تا آزادیخواه شوند و بفهمند که عزت نفس یعنی چه.^۲

یکی از مسائل مربوط به سیدالشهدا مسئله گریه است. خنده و گریه مظهر شدیدترین حالات احساسی انسان است. آن وقتی که کسی بتواند مالک خنده و گریه مردمی بشود، در حقیقت مالک قلب آن‌ها شده و با عواطف آن‌ها بازی می‌کند. تاکنون با قلب‌های مردم از راه گریه بر سیدالشهدا علیه السلام بازی شده بدون این که تحت کنترل عقل بیاید و هدف داشته باشد. تنها هدف داشتن کافی نیست، نظم و سامان هم لازم است.^۳

البته در مورد گریه بر امام حسین علیه السلام اعتراضاتی وجود دارد، از جمله این که در کتابی نوشته بود: عمل مسیحیان که روز شهادت مسیح را جشن

۱. این دسته‌های عزاداری محترم هستند، چون احساسات طبیعی ناشی از عقیده و ایمان دارند. نباید این‌ها را نسخ کرد و گفت که این کارها وحشیگری است، باید این‌ها را اصلاح کرد. ابراز احساسات برای قهرمانان بزرگ تاریخ، وحشیگری نیست. فقط اشتباه آن‌ها در این است که نمی‌دانند حالا که می‌خواهند نمایشگری کنند، باید طوری نمایشگری کنند که نمایشگر حماسه حسینی باشند، نمایشگر آن جنبه نورانی و روشن تاریخ عاشورا باشند؛ نه فقط نمایشگر صحنه سیاهش. (حماسه حسینی: ج ۱، ص ۲۸)

۲. حماسه حسینی، ج ۱، صص ۲۳-۱۳

۳. حماسه حسینی، ج ۲، صص ۶۱-۶۲

می‌گیرند، بر عمل شیعیان که در روز شهادت حسین گریه می‌کنند، ترجیح دارد، زیرا آن‌ها شهادت را برای عیسی موفقیت می‌دانند، پس شادمانند؛ ولی مسلمین آن را شکست شمرده و گریه می‌کنند. در جواب می‌گوییم که اولاً مسیحیان، روی همان اعتقاد خرافی خود مبنی بر پاک شدن گناهان، آن روز را جشن می‌گیرند، ثانیاً اسلام یک دین اجتماعی است نه فردی، از نظر اسلام شهادت امام حسین علیه السلام همان‌طور که خود فرمود، از نظر فردی یک موفقیت بود، اما از جنبه اجتماعی و نسبت به کل جامعه و نسبت به مرتکبین این حادثه، مظهر یک انحطاط در جامعه اسلامی بود و ما این واقعه را مرتباً با ناراحتی یادآور می‌شویم تا دیگر چنین نکنیم. ثالثاً این گریه‌ها برای صیقل دادن احساسات انسانی و اسلامی است، به شرطی که ما با درک صحیح اسلام، در پی اصلاح خود باشیم.^۱

نهضت حسینی، حماسه‌ای مقدس

تا به حال همه از صفحه سیاه حادثه کربلا سخن گفته‌اند. در این بحث می‌خواهیم کمی از صفحه دیگر این حادثه صحبت کنیم. شرایط تقدسی که باید در یک نهضت باشد و همگی در نهضت عاشورا جمع است، عبارتند از:

۱. نهضت نباید به خاطر منافع فردی باشد و می‌بینیم که امام حسین علیه السلام فقط برای اصلاح اجتماع و اصولاً به خاطر حفظ انسانیت قیام کرد.
۲. حرکت نهضت باید با بینش و درک قوی توأم باشد و حقایقی را ببیند که مردم عادی نمی‌بینند. این مسأله در نهضت عاشورا کاملاً مشهود است. چه این که مردم بعد از این نهضت تازه متوجه شدند امیرشان، یزید کیست و چه می‌کند.

۱. حماسه حسینی، ج ۱، صص ۲۵-۲۳

۳. نهضت باید تک باشد؛ یعنی مانند برقی باشد در ظلمات، و ندایی باشد در سکوت مطلق. در این رابطه، خود حضرت علیه السلام می فرماید: «دیدم امت جدم را فساد فرا گرفته و جز امر به معروف و نهی از منکر، قصدی در قیام من وجود ندارد»^۱.

علاوه بر نهضت، مسأله عظمت و تقدس را از جنبه فردی در شخصیت خود امام حسین علیه السلام نیز می توان بررسی کرد. روح مرد بزرگ، صاحب حماسه است؛ خواه برای خودش کار کند یا برای یک ملت، یا برای انسانیت و یا حتی بالاتر از آن، خود را خدمتگزار هدف های کلی خلقت بداند که اسم آن را رضای خدا می گذاریم.^۲ نادرشاه، اسکندر و ناپلئون همگی نمونه هایی از یک روح بزرگند، اما مقدس نیستند، زیرا آن ها به وجود آورنده حماسه فردی هستند؛ یعنی منشأ آن حماسه آفرینی ها، خودخواهی و جاه طلبی است. به همین علت، مثلاً اسکندر برای یونان یک قهرمان محسوب می شود و برای ایران یک جنایتکار.

امام حسین علیه السلام یک روح بزرگ و مقدس است.^۳ روح که بزرگ شد، جسم به زحمت می افتد و اگر روح، کوچک بود، تن آسایش می یابد. روح کوچک،

۱. حماسه حسینی، ج ۱، صص ۹۹-۱۰۲ و ج ۲، صص ۲۸-۳۱

۲. مقیاس عظمت و بزرگی افراد، شخصیت روحی آنهاست. ما در تاریخ به افرادی برمی خوریم که افراد برجسته تاریخ به شمار می روند، اما این مردان بزرگ تاریخ، دو دسته هستند. عده ای از آنها بزرگ و عظیم اند، ولی عظمت آنها از نوع عظمت خودخواهی است. این ها وسعت روح و شخصیت پیدا کرده اند، ولی تمام آن عظمت و وسعت در ناحیه حوائج شخصی خودشان است، می خواهند تمام دنیا را در هاضمه بزرگ خود بریزند. البته این دسته از آن جهت که همت بزرگ و اراده قوی داشته اند، قابل تحسین اند، ولی در دسته دوم این شخصیت، انسانی است که توسعه پیدا می کند و روح بشری است که بزرگ می شود، نه روح حیوانی. این دسته هستند که به منزله یک روح قوی در پیکر اجتماع می دمند و همه را زنده و فعال می سازند. (حماسه حسینی، ج ۲، صص ۴۴-۴۵)

۳. صفاتی که از اباعبدالله علیه السلام در روز عاشورا ظهور کرد عبارت بود از: ۱. شجاعت بدنی ۲. قوت قلب و شجاعت روحی ۳. ایمان کامل به خدا و پیغمبر و اسلام ۴. صبر و تحمل عجیب ۵. رضا و تسلیم ۶. حفظ تعادل، هیجان بیجا نکردن و سخن سبک نگفتن ۷. کرم و بزرگواری و گذشت ۸. فداکاری و فدا دادن. (حماسه حسینی، ج ۲، صص ۱۰۱-۱۰۲)

مطیع تن است و به دنبال خواهش‌های تن می‌رود و برای یک لقمه نان، ذلیل می‌شود. اما روح بزرگ به تن، نان جو می‌خوراند، بعد هم بلندش می‌کند که شب زنده‌داری کند. سر در تنور می‌برد که دیگر در کار یتیمان و بیوه‌زنان تقصیر نکند. آرزو می‌کند در راه هدف‌های الهی فرقتش شکافته شود و بعد هم خدا را شکر می‌کند. آن تنی که زیر سم اسب‌ها لگدمال می‌شود، جریمهٔ یک روح بزرگ را می‌دهد.

علت این‌که دور کلمهٔ شهید را هاله‌ای از قدس گرفته، این است که او روحی بزرگ دارد. روحی با هدف مقدس که برای خود کار نکرده، بلکه در راه حق و حقیقت قدم برداشته، در راه عقیده‌ای مقدس کشته شده و به خون خود ارزش داده است. کسی به پول خود ارزش می‌دهد و بجای ذخیره در بانک، آن را در راه‌های خیر مصرف می‌کند. کسی به فکر خود ارزش می‌دهد و کتاب می‌نویسد و ...، یکی هم به خون خود ارزش می‌دهد و جان خود را در راه بشریت، فدا می‌کند. مسلماً خدمت شهید بالاتر است؛ زیرا او راه را باز کرده و با هدیهٔ آزادی و عدالت، باعث شده تا دیگران بتوانند به کار خود ادامه دهند. شهید، شمع تاریخ است که خود می‌سوزد و به دیگران نور می‌دهد.^۱ شهید سه خصوصیت دارد: یکی این‌که در راه هدف مقدس کشته می‌شود، دیگر این‌که جاودانگی می‌یابد، سوم این‌که نورانیتی به محیط جامعه می‌بخشد. شهید کسی است که هدفی بیرون از خودپرستی داشته باشد و فقط به خاطر تکلیف و وظیفه، خصوصاً تکالیفی که بشر در برابر نوع و اجتماع دارد عمل کند. خون شهید به زمین نمی‌ریزد، بلکه هزار برابر می‌شود و در رگ‌های دیگران برای همیشه جریان می‌یابد و این معنای جاوید شدن خون شهید است و این است معنی این‌که شهدا حماسه می‌آفرینند.^۲

۱. حماسهٔ حسینی، ج ۱، صص ۳۴-۳۲

۲. حماسهٔ حسینی، ج ۲، صص ۲۸-۲۷

روانشناسان می‌گویند: شخصیت هر کس یک کلید معین دارد که اگر آن را پیدا کنید، سراسر زندگی او را می‌توانید توجیه کنید. ادعای این که کسی بگوید: من کلید شخصیت کسی، چون حسین بن علی علیه السلام را به دست آورده‌ام، انصافاً ادعای گزافی است، اما در حدودی که ما او را شناخته‌ایم، می‌توان گفت: کلید شخصیت او حماسه است، شور و عظمت و صلابت است. سخنانی که از آن حضرت نقل شده نادر است، اما همین کلمات اندک، از چنین روحی حکایت می‌کند و نشان از یک غیرت الهی دارد. وقتی می‌خواهد از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث نقل کند، می‌گوید: آن چه من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم این است: «*â ' â â*» و نیز می‌فرماید: «*â à*» دیگر او این است: «*â ' â â*» و در بین راه به آن‌ها که قصد پشیمان کردنش را دارند می‌فرماید: من می‌روم، اگر زنده ماندم، کسی نمی‌گوید: تو چرا زنده ماندی و اگر کشته شوم، کسی ملامت نمی‌کند؛ اما برای شما این ذلت و بدبختی کافی است که زندگی کنید، اما دماغتان را به خاک بمالند. در شب تاسوعا که باز دشمن می‌پرسد، شمشیر یا تسلیم؟ می‌گوید: «*â â*»
 «*â ' â*» از شعارهای روز عاشورای حسین علیه السلام این است که:
â ' â

۱. خداوند بلند مرتبه امور بزرگ و با ارزش را دوست دارد و امور پست و حقیر را نمی‌پسندد. (نزالدرج، ج ۳، ص ۲۰۳)
۲. مرگ همراه با عزت، از زندگی همراه با ذلت بهتر است. (مناقب آل ابی طالب، ج ۳)
۳. مرگ نزد آدمی همچون گردنبندی زیبا بر گردن دوشیزگان است و چه بسیار است اشتیاقم به (ملاقات با) گذشتگانم، مانند اشتیاق یعقوب (به دیدن) یوسف. (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶)
۴. به خدا قسم نه ذلیلانه، تسلیم می‌شوم و نه مانند بردگان فرار می‌کنم. (ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۰۲)
۵. مرگ از تحمل ننگ و ننگ از ورود به جهنم بهتر است. (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۱)

این یک حماسه است، اما نه یک حماسه شخصی و قومی، بلکه حماسه‌ای خالی از خودپرستی و مملو از انسانیت و خداپرستی، به طوری که حضرت سیدالشهدا علیه السلام در آخرین لحظات حیات خویش در روز عاشورا هم می‌فرماید: « â â â â »^۱.

در حالت فردی، بعضی اعمال، قلب انسان را مکدر می‌کند و بعضی دیگر به قلب، صفا و جلا می‌دهد. این حالت عیناً در اجتماع هم هست. بعضی پدیده‌های اجتماعی، روح اجتماع را تاریک می‌کند و ترس و رعب، در جامعه به وجود می‌آورد و یک سلسله امور و پدیده‌های اجتماعی هم هست که به اجتماع صفا می‌دهد؛ جرأت و شهامت می‌دهد و احساس بردگی را از او می‌گیرد. چه بسیار خون‌ها در محیط‌هایی ریخته می‌شود که اثرش مرعوبیت مردم است، اما مرگ و شهادت‌هایی هست که به دنبال خود روشنایی و صفا برای اجتماع می‌آورد. اگر شهادت امام حسین علیه السلام صرفاً یک مصیبت یا واقعه نغله‌شدن یک شخصیت می‌بود، هرگز چنین آثاری نداشت، اما چون نهضت او یک حماسه بزرگ اسلامی و الهی بود، آثار موجود را به دنبال آورده است. این اثر از آن جهت است که او با حرکت و قیامش روح مردم را زنده کرد، ترس را ریخت و احساس عبودیت و بردگی را زایل نمود و در یک کلام، به جامعه شخصیت داد.

بزرگترین سرمایه قیام و حرکت جامعه این است که درخودش احساس شخصیت کند و نسبت به سایر جوامع، بی‌نیازی بورزد و برای خود فلسفه زندگی مستقلی داشته، بدان مباهات کند. این احساس، غیر از آن خودی است که نفس پرستی نام دارد. اگر این نقش از دست برود و جامعه احساس

۱. خداوند به قضای تو راضی و تسلیم فرمان تو هستم. جز تو معبودی نیست، ای فریادرس بیچارگان. (نظیر این عبارت در «مقتل مقرر» ص ۳۵۷ و «مقام زخار» ص ۲۶۲ آمده است).

۲. حماسه حسینی، ج ۱، صص ۵۱-۳۵ و ج ۲، صص ۲۱۳-۲۱۲

نکند که فلسفه مستقل قابل اتکایی دارد، همه چیزش را از دست می‌دهد و دیگر نمی‌تواند فکر کند و بدین علت هر موضوعی را فقط به خاطر این که مُد است، می‌پذیرد. ولی اگر آن احساس شخصیت را داشته باشد، همه چیزش را هم که بگیرند، باز پا برجاست. یگانه نیرویی که مانع جذب ملتی در ملتی یا فردی در فردی دیگر می‌شود، همین احساس شخصیت است به تعبیر قرآن، پیامبر ﷺ با آوردن اسلام مردم را زنده کرد، به آن‌ها ایمانی عطا نمود که آن ایمان، به آن‌ها شخصیت داد و همین شد که در درون آن عرب جاهل غارتگر، این احساس پیدا شد که من باید دنیا را از اسارت و اطاعت غیر خدا نجات دهم و هیچ اهمیتی نمی‌داد که گذشته خودش چگونه بوده است. این را می‌گویند شخصیت دادن. اما می‌بینیم امویان کاری کردند که شخصیت اسلامی در مسلمین بمیرد. کوفه مرکز ارتش اسلام بود و اگر امام حسین ﷺ با آن همه نامه و تقاضا نمی‌رفت، امروز همه می‌گفتند: چرا امام به آن جا نرفت؟ اما می‌بینیم وقتی عبیدالله به کوفه آمد، از هجده هزار بیعت‌کننده با مسلم، حتی یک نفر هم نماند. چرا؟ چون زیاد بن ابیه سال‌ها در کوفه حکومت کرده بود و به قدری جنایت کرده بود که تا نام پسرش آمد، همه فرار کردند. بی‌شک امام حسین ﷺ را همان کوفیان که در ظاهر شیعه علی ﷺ بودند، کشتند. چون معاویه شخصیت آن‌ها را له کرده بود. اما همین کوفه، سال بعد از واقعه عاشورا شاهد انقلاب توأبین بود. این هیجان و تحرک را کسی جز حسین ﷺ ایجاد نکرد. شخصیت دادن به یک ملت به این است که به آن‌ها عشق و ایده‌آل داده شود، یا عشق و ایده‌آل‌هایشان را به یادشان آورد. سیدالشهدا ﷺ به مردم، درس غیرت و تحمل داد و این چنین یک عده ترسو را به مردمی شجاع، مبدل ساخت. ملتی شخصیت دارد که استغنا داشته باشد و امام با عمل خویش در شب عاشورا که فرمود: من بیعتم را از همه برداشتم، یعنی محتاج هیچ کدام از شما نیستم، این را به آن‌ها فهماند.

من مخالف مرثیه نیستم، اما سخن در این است که مرثیه باید به شکلی باشد که در عین حال آن حس حماسی و قهرمانی حسین ﷺ را در وجود ما تحریک و احیا کند. او یک الگوی بزرگ اسلام است و باید برای ما نیز

الگوی امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز و احیای اسلام باشد. حال جواب این سؤال روشن می‌شود که عده‌ای می‌پرسند: یعنی چه جانبازی حسین علیه السلام را دوباره زنده کرد و آن حضرت درخت اسلام را با ریختن خون خود آبیاری نمود. چه رابطه‌ای میان شهادت وی و زنده شدن اصول و فروع دین وجود دارد؟

در حماسه و نهضت حسینی، کسی که بیش از همه این درس را آموخت و حسین علیه السلام را الگوی فهرمائی و صفات عالی انسانی قرار داد، حضرت زینب (س) بود. زینب با عظمتی که در دامن زهرا (س) و از تربیت علی علیه السلام یافته بود، اما در عین حال، شخصیت آن حضرت قبل از کربلا و بعد از کربلا متفاوت است. او در شب عاشورا، حتی یکی دو بار نتوانست جلوی گریه خود را بگیرد. اما عصر عاشورا با دیدن روحیه امام و دستورالعمل‌های ایشان، زینبی شد که دیگر احدی، کوچکترین شخصیتی در مقابل او نداشت. در مقابل یزید، چنان سخن گفت، که او لال شد و در شام نیز انقلابی به پا کرد که یزید مجبور به عقب‌نشینی شد و همه تقصیرات را به گردن عبیدالله بن زیاد انداخت. حماسه حسین علیه السلام این چنین آدم می‌سازد.^۱

بخش دوم

ماهیت قیام حسینی

یک شیء را اگر بخواهیم بشناسیم، یا به علل فاعلی آن می‌شناسیم، یا به علل غایی یا به علل مادی (اجزاء و عناصر تشکیل دهنده) و یا به علت صوری آن. اگر یک نهضت را هم بخواهیم بشناسیم و ماهیتش را به دست آوریم، ابتدا باید عللی را که به این نهضت، منتهی شده است بشناسیم. از طرفی تا علل غایی را نشناسیم، ماهیت این نهضت را نمی‌توانیم درک کنیم. کلاً چهار مطلب را باید در مورد هر نهضتی بررسی کنیم. اولاً علل و موجباتی که به این نهضت منتهی شده است چیست؟ ثانیاً آیا آن نهضت، هدف دارد یا خیر، و اگر هدف دارد هدفش چیست؟ ثالثاً عناصر و محتوای آن نهضت را بشناسیم که در این نهضت چه کارهایی صورت گرفته است؟ و رابعاً ببینیم این عملیاتی که صورت گرفته است، مجموعاً چه شکلی پیدا کرده است.

یکی از مسائلی که در مورد یک نهضت، مطرح است این است که آیا این قیام و نهضت از نوع یک انفجار بوده؛ یعنی یک عمل ناآگاهانه و حساب نشده، یا قیام و نهضتی آگاهانه و از روی بصیرت بوده؟ یکی از تفاوت‌های اسلام با مکاتب مادی امروز این است که آن‌ها، روی اصول خاص دیالکتیکی، می‌گویند: تضادها را تشدید کنید و شکاف‌ها را عمیق‌تر کنید تا جامعه را به انقلاب به معنی انفجار (نه انقلاب آگاهانه) بکشانید. اما اسلام این را قبول ندارد. انقلاب مطلوب در اسلام، صد درصد آگاهانه و از روی تصمیم و انتخاب است. با توجه به گفته‌های امام حسین علیه السلام، می‌بینیم که